

## بازخوانش معیارهای طراحی داخلی، جهت تغییر کاربری ابنیه ارزشمند

فاطمه بختیاری دوست: کارشناس ارشد معماری داخلی، دانشگاه سوره تهران fbakhtiari69@yahoo.com

محمدباقر کبیرصابر: استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

بناهای ارزشمند، میراثی گرانبها برای هر تمدن و کشوری به حساب می‌آیند. بنابراین حفظ و بقای آن‌ها برای آیندگان دارای اهمیت است. امروزه تعداد زیادی از بناهای ارزشمند، به دلایلی همچون منسوخ شدن کاربری اولیه، متناسب نبودن فضاهای داخلی جهت نیازهای امروزی، بدون استفاده رها شده‌اند. لذا تغییر کاربری، به منظور استفاده مجدد از آن‌ها، به عنوان یکی از راه‌کارهای حفاظت و باززنده‌سازی مطرح می‌شود. از آنجایی که جهت بهره‌برداری مجدد از بنا، ناگزیر به دخالت و ایجاد تغییر در آن می‌باشیم، طراحی داخلی در یک بنای میراثی متناسب با عملکرد جدید آن اهمیت می‌یابد. یک بنای میراثی حامل پیام‌هایی می‌باشد که ماهیت آن را تعریف می‌کند، و همین اصل باعث تمایز طراحی در این گونه زمینه‌ها با سایر موارد می‌شود. بر این اساس طراح به عنوان اتصال دهنده‌ی گذشته به آینده دارای مسئولیتی سنگین در برابر نسل‌های گذشته، حال و آینده است. لذا رعایت اصول و معیارهای مؤثر جهت حفظ ارزش‌های بنا در طراحی داخلی به منظور تغییر کاربری، اهمیت به‌سزایی می‌یابد. مقاله‌ی حاضر در پی یافتن اصول راهنما و معیارهای مؤثر طراحی در زمینه‌های ارزشمند می‌باشد. تا علاوه بر حفظ ارزش‌های بناهای میراثی تغییر کاربری سازگار با آن‌ها صورت گیرد. دستورالعمل‌های پیشنهادی ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های خاص موارد گوناگون و ارزش‌های نهفته در هر زمینه‌ی تاریخی منطبق شوند. شیوه‌ی پژوهش در این مقاله به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های موجود در این راستا می‌باشد. بدین منظور در ابتدا به بررسی اصول و قوانین حاصل از بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌های جهانی، جهت تغییر کاربری پرداخته، سپس با بررسی نمونه‌های موجود، و راه‌کارهای ارائه شده در این زمینه به تدوین اصول و معیارهای پیشنهادی جهت طراحی پرداخته می‌شود؛ در پی آن با اشاره به هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار، و تطبیق آن با اصول تغییر کاربری سازگار، جدولی از عواملی که می‌بایست در طراحی داخلی مورد توجه قرارگیرند ارائه می‌گردد که از جمله مهم‌ترین اصول مورد توجه رعایت سادگی، انعطاف‌پذیری، بازگشت‌پذیری و توجه به روحیه‌ی مکان و حفظ ارزش‌ها و زیبایی‌های بصری معرفی می‌گردد.

### واژه‌های کلیدی

معماری داخلی، معیارهای طراحی داخلی، ابنیه ارزشمند، تغییر کاربری سازگار، بازطراحی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

عملکرد یک بنا ممکن است با گذشت زمان و در پی بروز تغییرات در نیازهای جامعه، پیشرفت‌ها و یا تغییر در هنجارهای اجتماعی و اقتصادی دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شود. گاه این دگرگونی‌ها طرد و ترک بنا توسط ساکنان و یا تخریب آن‌ها را سبب می‌شود. حال اگر این بناها ارزشمند و میراثی از گذشتگان باشند و همان‌طور که میراث<sup>۱</sup> اشکال مختلفی از سرمایه‌های فرهنگی می‌باشد که مظهر ارزش‌های اجتماعی، تاریخی و یا بعد فرهنگی است؛ حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده توجیه می‌شود. (تروسی، ۱۹۹۷، ۱۵) بهره‌برداری مجدد از ابنیه ارزشمند علاوه بر مزایای فرهنگی دارای مزایایی همچون (۱- مزایای اجتماعی که پایداری اجتماعی را با - ایجاد شغل - حس مکان - کاهش جرم و جنایت به همراه دارد. (ال سردی، ۲۰۱۳، ۲) - مزایای اقتصادی که باعث کاهش هزینه ساخت و ساز برای کشورهای در حال توسعه می‌شود در نتیجه، ذخیره منابع برای توسعه بخش‌های اجتماعی و پایداری اقتصادی را به دنبال دارد. (بولن، لاو، ۲۰۱۱، ۴۱۲، ۳) - مزایای زیست محیطی که با کاهش استفاده از منابع و اثرات مخرب ناشی از ساخت و ساز جدید، پایداری زیست محیطی را به ارمغان می‌آورد (عطایا... و دیگران، ۲۰۱۰، ۶۳)، می‌باشد.

بر اساس تعابیری که بیشتر بیان‌کننده‌ی وجه روایتگری آثار میراثی است. و بر مبنای اساسنامه‌ی سازمان میراث فرهنگی که "میراث فرهنگی" را آثار به جا مانده از پیشینیان نامیده که نشان‌دهنده حرکت انسان در طول تاریخ است و با شناسایی آن‌ها زمینه‌ی شناخت هویت و مسیر حیات فرهنگی آن فراهم می‌شود؛ (صمدی رندی، ۱۳۷۲، ۲۱) لذا ابنیه ارزشمند در اقصی نقاط دنیا نماینده‌ی فرهنگ و هنر زمان خود هستند. که حفظ هویت، ارزش و شاخصه‌های فرهنگی آن‌ها در استفاده‌ی مجدد، دارای اهمیت می‌باشد و این امر در طراحی داخلی به عنوان هماهنگ‌کننده‌ی فضای داخلی و نیازهای جدید باید مورد توجه قرار گیرد. مسأله‌ی چگونگی رویارویی و برخورد با بناهای میراثی از سال‌ها پیش مورد توجه بوده و در یک قرن اخیر از اهمیت ویژه و روزافزونی برخوردار شده است. از قرن نوزدهم به بعد مرمت بناها و مجموعه‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفت و به تدریج در این زمینه اصول و دستورالعمل‌های مدونی تهیه شد تا بدین ترتیب آثار میراثی بر جای مانده از گذشته مورد حفاظت قرار بگیرند. (عالی، تاجیک، ۱۳۸۷، ۸۵) هر ساله قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های بسیاری در این جهت ارائه می‌شود که با گذشت زمان این قطع‌نامه‌ها در زمینه حفاظت به سمت بازآفرینی حفاظت مدار پیش رفته‌اند، به‌گونه‌ای که در این دوره توجه ویژه‌ای به حفظ ارزش‌های فرهنگی، تاریخی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی صورت می‌گیرد؛ همچنین این دوره آغازگر توجه به ارزش‌های اجتماعی میراث و زمینه ساز تعمیم نگرش حفاظت از ارزش‌ها، اصالت و یک‌پارچگی بناها می‌باشد. (حناچی، فدائی نژاد، ۱۹۹۰، ۱۳۹۰) شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در این مقاله به صورت مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد بر این اساس در ابتدا به بررسی اصول و مقررات موجود در این زمینه سپس با بررسی نمونه‌ها و راه‌کارها و تطبیق آن با این اصول جدولی به عنوان معیارهای طراحی داخلی در زمینه‌های ارزشمند ارائه می‌گردد.

۱- اصول مورد توجه در تغییر کاربری ابنیه ارزشمند

۱-۱- اصول و قوانین منتج از قطع‌نامه‌ها

جدول (۱): قوانین منتج از قطع‌نامه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، مأخذ: (عالی، تاجیک، ۱۳۸۷، ۹۰) و (فلامکی، ۲۰۰۶، ۱۳۹۴-۲۵۲) و (حناچی، فدائی نژاد، ۱۳۹۰، ۱۸)

قطع‌نامه، بیانیه	معرفی	اصول
آتن	در سال ۱۹۳۱ در شهر آتن	- حفاظت و نگهداری از ارزش‌های معماری الزامی است - تغییر کاربری باید هماهنگ با خصوصیت تاریخی یا هنری بنا باشد - فرق گذاشتن بین سبک قدیم و جدید و مصالح قدیم و جدید در بازنده سازی یک بنا دارای اهمیت است. - حق مداخله در بنا در صورت الحاقی بودن
منشور ونیز	در سال ۱۹۶۴ میلادی تشکیل شد. کنگره آتن را اصلاح می‌کند و کلیه مصوبات ایکوموس بر اساس مفاد این کنگره قرار می‌گیرد.	- حفظ بنای تاریخی با استفاده از آن‌ها آسان می‌شود - تغییر و تحولات باید در چارچوب اصول انجام گیرد. - بخش‌های الحاقی را در صورتی می‌توان حذف نمود که ارزشمند نباشد و یا ساختمان اصلی ارزشمند باشد. ۵ اصل مهم منشور ونیز به طور خلاصه شامل: ۱- تجویز مداخله در بافت ۲- احترام قائل شدن به افزوده‌ها در دوران مختلف ۳- هرگونه اقدامی به گونه‌ای باشد که دارای نشانی از زمان مداخله باشد ۴- مداخله در بناهای تاریخی در صورتی موجه است که براساس مدارک و مستندات انجام پذیرد.
سند نارا	نهاد مسئول سند نارا سازمان یونسکو، ایکوموس و ایکروم بوده است که به سال ۱۹۹۴ در کشور ژاپن منعقد گردید.	۱- توجه به ارزش‌های اصیل و باهویت ۲- حفاظت و نگهداری بناها جهت پر رنگ‌تر کردن خاطرات جمعی انسان‌ها می‌باشد.
منشور بورا	نهاد مسئول این منشور ایکوموس بوده که در سال ۱۹۹۶ در کشور استرالیا تشکیل شده است این منشور دو نکته را به محافل مرمتی توصیه می‌کند. یکی توجه به جنبه‌های فرهنگی مکان و دیگری بازیابی یا حفاظت اهمیت	- برای انطباق یک کاربری با کالبد باید حداقل خسارت به ارزش فرهنگی آن مکان وارد شود و حداقل تغییر در ارزش و اهمیت کالبدی همراه باشد - کار جدید، مانند افزودن الحاقات به آن مکان آنجا پذیرفتنی است که آن کار جدید اهمیت فرهنگی آن مکان را مبهم نکند و آن را از شکل طبیعی بیرون نیآورد و از قدر و ارزش، تعمیر و تفسیر آن نگاهد - کار جدید باید نسبت به آن چه قبلاً وجود داشته است به خوبی شناسایی باشد.

<sup>۱</sup> Heritage

فرهنگی مکان	- تداوم، اصلاح و بازگرداندن کاربری می‌تواند مناسب باشد و بر اشکال دیگر حفاظت ترجیح داده می‌شود. کالبد، کاربری، تداعی و معانی موجود باید به طور مناسبی قبل از انجام هرگونه تغییرات در آن مکان ثبت شوند.
بیانیه ایکوموس	در سال ۱۹۹۸ استکهلم
بیانیه مکزیکوسیتی ۲۰۰۰	دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس

در ابتدا تغییر کاربری به عنوان یک شیوهی حفاظت مورد پذیرش قرار گرفته ولی تعیین نوع کاربری و هماهنگی آن با ارزش‌های بنا باید مورد توجه قرار گیرد. حفظ اصالت و یکپارچگی و ارزش‌های یک مکان میراثی به عنوان یک اصل بیان شده است.

### ۲-۱- اصول تغییر کاربری سازگار

استفاده مجدد از بناهای میراثی خود می‌تواند یک شیوه از حفاظت باشد؛ ایجاد تغییر در این شیوه، به دور از محدود کردن ارزش‌های معتبر میراثی است. استفاده تطبیقی از ساختمان‌های با ارزش یک استراتژی پایدار است، که باعث بهبود در بهره‌وری مواد و منابع، کاهش هزینه، بقاء و نگهداری می‌شود. تغییر عملکرد و استفاده مجدد از ساختمان‌های موجود به طور کل از جایگزین کردن آن‌ها در سازش با مقتضیات محیطی موثرتر است، به خصوص اگر در طراحی، استراتژی حفاظت گنجانده شود. (بولن، لاو، ۲۰۱۱، ۴۱۲) تغییر کاربری تطبیقی می‌تواند شامل سازماندهی مجدد عمده‌ی فضاهای داخلی و ارتقاء خدمات، و یا به‌سادگی مرمت جزئی باشد، که در آن هیچ چیز به غیر از کاربری تغییر پیدا نمی‌کند. موفق‌ترین پروژه‌های تغییر کاربری آن‌هایی هستند که علاوه بر حفظ ارزش‌های بنا یک لایه‌ی معاصر، به عنوان ایجاد ارزش برای آیندگان، به بنا اضافه کنند. چنین سیاست‌هایی حاوی معیارهای استاندارد است. برای اطمینان از این که استفاده مجدد از ساختمان، تأثیری منفی بر روی ارزش‌های میراثی نگذارد موارد زیر مطرح می‌شود.

- مدیریت تغییر: گذر زمان به نوبه‌ی خود عجزین با تغییر است. تغییر یک عامل، موجبات تغییر در دیگر عوامل وابسته را فراهم می‌نماید. بنابراین، نیاز به مدیریت تغییر امری است که نباید نادیده گرفت. در هنگام کار با محیط تاریخی، نیازمند حساسیت به ریشه‌ها هستیم. زیرا ساختمان‌ها به عنوان یک عنصر حیاتی در خاطرات جمعی هستند. در حالی که ارزش‌های گذشته باید حفظ شوند، آمادگی تغییر بعضی اجزاء به منظور درج اجزای جدید، برای انطباق یافتن با الگوهای نوین فعالیت، تکنولوژی‌های در حال توسعه و امکان زندگی بنا باید فراهم گردد. به عبارت دیگر طراح خوب، تغییر و تعدیل را به گونه‌ای مدیریت می‌نماید که نه تنها گذشته را حفظ نماید، بلکه چیزی را به درک ما اضافه نموده در عین حال که موقعیت‌هایی را برای آیندگان می‌گشاید؛ چرا که بناها برای زنده ماندن نیازمند آن هستند که مورد استفاده قرار بگیرند. (ورتینگتن، ۱۹۹۸)

- یکپارچگی و اصالت معماری<sup>۱</sup>: مورتاق، تفسیر یکپارچگی معماری را به عنوان یک اصطلاح انتزاعی پذیرفته است که به وسیله چندین عامل (سبک، مکان و موقعیت، مصالح، قدمت) شناخته می‌شود. معنای اصالت را در روند و جریان خلاقانه‌ای می‌داند، که محصول اصلی زمان خود است. (به طور روشن بیان کننده‌ی زمان حال باشد). (مورتاق، ۱۹۹۷)

در حین ایجاد هر تغییری، حفظ یکپارچگی و اصالت اصلی است که عمیقاً تمامی دیگر جنبه‌های طراحی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدون یکپارچگی، کیفیات رنگ، تناسبات و جزئیات کاربردی بنا از بین خواهد رفت. به‌طور کل، هر عملی که اجازه‌ی نوآوری و خلاقیت را بدهد و در عین حال کمترین آسیب بصری را موجب گردد، به ایده‌آل‌ها نزدیک‌تر است. (ال سردی، ۲۰۱۳، ۲)

- عملکرد ساختمان: چند تن از محققان مانند نلسون و مورتاق به دلایلی بر اهمیت عملکرد در تغییر کاربری‌های سازگار تأکید دارند. اولاً، حفظ نوع ساختمان یکی از مهم‌ترین عوامل در تعریف اصالت معماری می‌باشد. دوماً تغییر عملکرد در پروژه‌های تغییر کاربری به عنوان موضوع اصلی و پایه است. سوماً نوع عملکرد در تعریف رویکرد طراحی معماری، مهم و برجسته است. (نلسون، ۲۰۰۵) و (مورتاق، ۱۹۹۷) تغییر کاربری سازگار رویکردی است، که اثر منفی بر ارزش‌های ساختمان موجود نمی‌گذارد. همچنین سازگاری را می‌توان تأثیر کم کاربری جدید بر بنا دانست. هنگامی که فرم و عملکرد با هم یک سازگاری قوی داشته باشند، ساختمان دارای این حس مثبت است، که کاربران می‌توانند از طریق فرم با کاربری ارتباط برقرار کنند. (ال سردی، ۲۰۱۳، ۳) در این میان نظریه‌ی دیگری نیز وجود دارد، که تغییر کاربری موفق را فقط جاگیری کارکرد در داخل فرم و ساختار موجود نمی‌داند؛ از این نظریه می‌توان به عنوان سازگاری معنایی یاد کرد.

- سازگاری معنایی: اگر میزان مطلوبیت اعطای کارکرد سازگار بر اساس مؤلفه‌های سازنده مکان و نحوه رابطه بین آن‌ها سنجیده شود، هر چه انطباق میان کالبد، ماهیت فعالیت و کارکرد بیشتر باشد میزان موفقیت و دستیابی به یک «مکان» بیشتر است. اگر کالبد و فعالیت اشتراک زیادی با هم داشته باشند اما معنا یا تصور ذهنی افراد از فعالیتی که در آن مکان صورت می‌پذیرد اشتراک کمی داشته باشد، جاگیری کارکردها در کالبد بنا موفق نخواهد بود. (مندگاری، محمدی، ۱۳۹۱، ۱۰۵)

- سازگاری پایدار<sup>۲</sup>: طراحی پایدار لزوماً به معنای راه حل‌های تکنولوژیکی نیست. در اینجا منظور از ساختمان پایدار ساختمانی است که به سادگی مورد تغییر و استفاده مجدد قرار بگیرد. در این معنا نویسندگان پاسخ استفاده مجدد «انطباق پایدار» را هرگونه نیاز سودبخش، انعطاف‌پذیر بودن، بازده انرژی و مواد سازگار با محیط می‌دانند. (دوگلاس، ۲۰۰۲)

### ۳-۱- شیوه‌های انطباق کاربری

<sup>۱</sup> Adaptive reuse

<sup>۲</sup> Architectural Integrity

<sup>۳</sup> Sustainable Adaptation

یک سیاست مبتنی بر حداقل دخالت، به طور معمول بهترین سیاست برای تضمین حفاظت مؤثر به‌شمار می‌آید و بهترین راه حفاظت از اماکن استفاده کردن از آن‌هاست. می‌توان از کاربردهای جدید و مناسب و سازگار با طراحی و ارزش‌های محل یا بنا استفاده کرد. این اقدام را می‌توان مدرنیزه کردن یا بدون تغییرات سازگاری نامید. تغییر یک منبع میراث برای سازگاری با یک کاربرد جدید گاهی راه مقرون به صرفه است که با استفاده از آن می‌توان ارزش‌های زیبایی‌شناختی را نجات داد و اماکن و بناها را به زندگی روزمره و استانداردهای کارکردی و ایمنی بازگرداند. (فیلدن، یوکیلتو، ۱۳۹۳، ۸۷)

طراحی معماری و نقشه‌کشی برای ساختمانی جدید فضای لازم برای شکل، اندازه و ارتباطات لازم بین فضاهای داخلی مختلف؛ و ماهیت فعالیت‌هایی را در نظر می‌گیرد که در آنجا انجام خواهد شد. هنگامی که ساختمانی موجود را باید برای فعالیت‌هایی مورد استفاده قرار دارد که با کاربرد اولیه آن مغایرت دارد پس الزاماً باید فعالیت‌های جدید را با شرایط حاضر تطبیق داد. جائیکه عدم تطابق پیش‌آید تغییر فضای موجود و مناسب کردن آن ضرورت می‌یابد. دو نوع تغییر اصلی می‌توان در نظر گرفت نخست، که نسبت به دوم ماهیتی بسیار دائمی‌تر دارد، درگیر تغییر ساختاری در مرزبندی‌های فضای داخلی می‌شود. نوع دوم تغییر در اجزای غیرساختاری و بهبود شرایط با استفاده از طراحی داخلی می‌شود. تغییرساختاری ممکن است درگیر حذف یا اضافه نمودن دیوارها شود تا شکل و آرایش الگوی فضای‌های موجود را تغییر دهد یا فضایی جدید اضافه کند. (چینگ، بینگلی، ۱۳۸۴، ۳۲)

- **مداخلات داخلی:** جهت هماهنگی کالبد و عملکرد، تغییرات داخلی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- حفظ کل ساختار موجود همراه با تقسیم‌بندی داخلی آن، در این روش تجدید رنگ آمیزی، نوسازی و احداث سیستم گرمایش و سرمایش در دستور کار قرار می‌گیرد. ۲- حفظ کل پوشش بیرونی، سقف و اکثر قسمت‌های داخلی همراه با تغییرات اندک در ساختار داخلی (تخریب بخشی از تقسیم‌بندی‌های داخلی و یا قرار دادن راه‌پله‌های جدید)

در این شیوه نیز مانند مورد قبل نوسازی هم در دستور کار قرار می‌گیرد. ۳- حفظ کل پوشش بیرونی شامل سقف همراه با تغییرات عمده در ساختار داخلی (قرار دادن پلکان جدید و در جایی که ارتفاع اجازه دهد افزودن طبقات جدید) در این روش نیز نوسازی در دستور کار قرار می‌گیرد. ۴- حفظ کلیه دیوارهای جانبی بنا و تخریب کامل سقف و ساختار داخلی و به‌دنبال آن ساخت یک بنای کاملاً جدید در پشت نمای تاریخی، این روش در خصوص ساختمان‌های منفردی به کار می‌رود که کلیه دیوارهای نمای خارجی آن ارزش حفظ کردن را دارد، ولی سازنده به فضاهای کاملاً جدیدی در داخل نیاز دارد. از نظر ترمیم و بازسازی گزینه ۲ و ۳ به عنوان گزینه‌های احیاء به حساب می‌آیند و گزینه آخر به عنوان مکتب حفظ نما<sup>۱</sup> شناخته شده است. که انتخاب هر یک از موارد با در نظر گرفتن محدودیت‌های اقتصادی، قانونی و عملکردی قابل توجیه است. (قدیری، ۱۳۸۵، ۲۲-۲۱)

- **مداخلات خارجی (الحاقات):** الحاقات جدید بر بافت اصلی چیره نشود و به امکانات بنا و اصالت در طراحی، مصالح، ساخت و یا فضا سازی و خصوصیات بالقوه اماکن احترام گذاشته و با ساختار موجود از نظر طراحی، ساخت، رنگ، رنگ‌مایه، بافت، شکل، مقیاس در هماهنگی باشند. (فیلدن، یوکیلتو، ۱۳۹۳، ۸۰)

## ۲- مرتبه‌ها و محدودکننده‌های معماری داخلی در بناهای ارزشمند

حیدری به نقل از استون معماری داخلی را مدل‌سازی مجدد ساختمان و نگرشی جدید نسبت به فضاها و ساختارها، بازسازی بنا و سازمان‌دهی اصول و معیارها، به عنوان پلی میان فعل طراحی داخلی و معماری می‌داند که فضای داخلی را برای استفاده مطلوب در نسبت با فعالیت‌های مختلف آماده می‌کند که نیازمند دانش‌های پایه‌ای همچون جنبه‌های معماری، سیستم سازه‌ای، تأسیسات، طراحی داخلی و دانش رسیدن به استانداردها است. (حیدری، ایمانی، ۱۳۹۴، ۱۲۴)

طراحی داخلی در مرتبه‌های پایین‌تر نسبت به معماری داخلی قرار دارد و دربرگیرنده‌ی طراحی مبلمان و پوشش نهایی بر اساس معیارهای هنری و معماری می‌باشد و این روش یک عمل میان رشته‌ای است، که هویت و حال و هوای خاصی را از طریق سطوح، حجم فضایی، و مکان عناصر، ایجاد می‌کند. (ادوارد، ۲۰۱۱، ۲) در واقع در این روش، فضا در ساختار اصلی خود حفظ می‌شود و عناصر جدیدی به آن اضافه می‌شود. از نظر تغییرات، در آخرین مرتبه، دکوراسیون داخلی قرار دارد. دکوراسیون داخلی را می‌توان برنامه‌ریزی جهت تأثیر هنری رنگ و مبلمان تعریف نمود این شیوه بخشیدن شخصیت به فضا جهت انجام فعالیت با مقیاس مناسب نیز بیان می‌شود که مسائلی مانند بافت، تزیینات، نور، رنگ و متریا ل بیش از همه دارای اهمیت می‌باشد. (همان) بر این اساس سه مرتبه‌ی معماری، طراحی و دکوراسیون داخلی را می‌توان به عنوان هماهنگ کننده‌ی فضا جهت عملکرد جدید نام برد. معماری داخلی به عنوان مرتبه‌ای که مداخلات بیشتری را در بنا ایجاد می‌کند معرفی شده است؛ ضیاء شهبابی و ایمانی در مقاله‌ی خود تعیین مداخلات در بناهای ارزشمند را وابسته به ارزش‌های آن بنا بیان نموده‌اند. (ضیاء شهبابی، ایمانی، ۱۳۹۰، ۱۳۷) وضعیت موجود بنا از نظر ساختاری نیز تعیین کننده و محدود کننده‌ی میزان مداخلات در مرتبه‌ی معماری می‌باشد.

- **ارزش‌های بنا:** ارزش با عنوان انتساب اجتماعی کیفیت‌ها به موضوعات، تعریف می‌شود، بنابراین ارزش‌ها وابسته به جامعه‌اند و در طول زمان تغییر می‌کنند. در مورد میراث فرهنگی، توجه خاص باید به موردی معطوف شود که به عنوان اهمیت فرهنگی تلقی می‌شود، در عین این که جنبه‌های اقتصادی نباید نادیده گرفته شوند. برخی ارزش‌ها مربوط به جنبه‌های ذاتی آن بنا یا مکان هستند در حالی که ارزش‌های دیگر وابسته به موقعیت و چگونگی ارتباط آن بنا با محیط اطرافش است. جوهر ماده، نشان‌دهنده‌ی برداشت زیبایی یا هنری سازندگان آن و گواه تاریخی است که شهادت‌های تاریخی و ارزش‌های فرهنگی مربوط به آن را از گذشته و

<sup>۱</sup> جنبش حفظ نما تنها در مواردی که مهم‌ترین آن‌ها حفظ اصلی معماری است مورد پذیرش قرار گرفته است این موارد عبارتند از: ۱- در مواردی که فضای داخلی موجود بی‌اهمیت باشد و ارزش معماری و تاریخی نداشته باشد. ۲- در مواردی که فضای داخلی موجود در وضعیت یا در حال ویرانی باشد و در نتیجه قابلیت مرمت نداشته باشد. ۳- در مواردی که فضای داخلی موجود در معرض تغییرات و جایگزینی گسترده باشد، به نحوی که قابل بازسازی نباشد. ۴- در مواردی که اجرای فضای داخلی از لحاظ سازه‌ای قادر به تحمل بارهایی نباشد که در نتیجه کاربرد جدید به آن تحمیل می‌شود. ۵- در مواردی که چیدن فضای داخلی برای انطباق با عملکرد جدید مناسب نباشد و نیاز به تغییرات اساسی در آن احساس شود. ۶- در مواردی که نوسازی ساختمان برای سازگاری آن با مقررات آتش‌نشانی احتیاج به تغییرات قابل ملاحظه در فضای داخلی موجود وجود داشته باشد. ۷- در مواردی که هزینه نوسازی فضای داخلی موجود به عنوان یک مانع مطرح است و بنابراین توجیه اقتصادی را از بین می‌برد. رئالیست‌ها معتقدند اگر قرار است بنا حفظ شود، از دست دادن پیوستگی و همگونی ساختاری تا حدی اجتناب‌ناپذیر است. و نباید به بناهای تاریخی به صورت موزه‌ای و غیرقابل بهره‌برداری نگرست انطباق عملکردهای جدید با بناهای قدیمی، تغییر را به دنبال خواهد داشت. (قدیری، ۱۳۸۵، ۲۵)

حال نشان می‌دهد. (فیلدن، یوکیلتو، ۱۳۹۳، ۱۸-۱۷) تعبیر گوناگونی از ارزش‌های یک بنای میراثی بیان شده است؛ ولی می‌توان در یک دسته‌بندی کلی موارد زیر را مطرح نمود:

**ارزش‌های ماهوی:** هر بنا در مقام میراث حامل پیام است؛ در حقیقت روایتگری یا انتقال پیام انسانی ویژگی‌های ماهوی اثر و وجه تمایز آن از سایر موضوعات انسانی است. پیامی که روایتگر واقعیتی یگانه و تجدید ناپذیر از زندگی بشر است. از این رو ارزش یک اثر میراثی، در حقیقت برداشت‌های هوشمندانه‌ی انسان معاصر از پیام نهفته در آن است. برداشت‌هایی که به تناسب مسائل و خواسته‌های انسان امروز به میزان تأمل و تعمق او در اثر و به عبارتی بر پایه‌ی نوعی رویکرد انسان به میراث فرهنگی شکل می‌گیرد و در جایگاه پیامی از گذشته رخ می‌نماید. در نتیجه صیانت از ارزش‌های میراثی درک و حقیقت این پیام است. (رحیم‌زاده، نجفی، ۱۳۸۹، ۲۶۴)

آن دسته از ارزش‌ها که با خلق اثر زاده می‌شوند و در زمان حال قابل ارزیابی هستند تمامی جنبه‌های وجودی از قبیل هویت فرهنگی- عملکردی، زیبایی‌شناسی جزء ارزش‌های ذاتی و درونی هستند و آن دسته از ارزش‌هایی که آثار در طول حیات خود بدان دست می‌یابند، دیرینگی بنا، شکل دادن به خاطرات گروهی، در برداشتن رویدادهای مهم تاریخی در زمره‌ی آثار اکتسابی است. (حناجی و دیگران، ۱۳۹۲، ۳۹)

فلامکی محتوای مفهومی معماری را بار فرهنگی، با رهنری، بار تاریخی و بار علمی بنا می‌داند. (فلامکی، ۱۳۹۴، ۲۶۰) با توجه به بیانات مطرح شده، می‌توان ویژگی‌هایی که به صورت ناملموس هستند و پیام خود را به وسیله‌ی عناصر ملموس بیان می‌کنند و در واقع حس آن مکان خاص را القا می‌کنند را ارزش‌های ماهوی اثر دانست.

**ارزش‌های مادی:** شامل آن دسته از ارزش‌هایی است که با شناخت کالبدی اثر میسر می‌شود و شامل ارزش‌های ساخت، مصالح، ارزش‌های فیزیکی و وجوه زیبایی‌شناختی می‌باشد. (همان، ۲۶۱)

- **وضعیت موجود بنا:** این گونه به نظر می‌رسد که در هنگام تعیین مداخلات معماری در بنا بسته به سیر تاریخی یک اثر، می‌توان سه وضعیت متفاوت را برای آن پیش‌بینی نمود:

- در حالت نخست، اثر کاملاً سلامت کالبدی خود را حفظ نموده و تنها می‌توان شاهد آثار کهنگی بر اندام و کالبد آن بود. در این حالت بسته به ظرفیت‌های اثر و فرصت‌های قابل تشخیص در آن تغییر کاربری و ایجاد زمینه‌هایی برای احراز کارکرد جدید بنا در دستور کار قرار می‌گیرد.

- در حالت دوم، اثر در طول زمان به دلیل نیازهای کاربران یا اتفاقات خواسته و یا ناخواسته دیگر، دچار دگرگونی گردیده و از این رو، تصمیمات و اقدامات بسته به ماهیت فعلی و زمان حال اثر اتخاذ و عمل می‌گردد. بسته به ارزش قابل شناسایی در اثر برنامه جدید زندگی و مداخله‌های مقتضی جهت احراز کاربری جدید تبیین می‌گردد. چنین آثار - سی فرصت بیشتری نسبت به حالت نخست برای انجام مداخلات به دست می‌دهند.

- در حالت سوم، میزان دگرگونی به حدی است که اشکالی از بازسازی و نوسازی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین آثاری عموماً به دلیل فقدان اصالت، دست طراحان را جهت مبادرت به اقدامات جسورانه باز می‌گذارد. (کوششگران، ۱۳۹۰، ۷۵) لذا دو عامل ارزش‌های مادی و معنوی اثر و وضعیت موجود بنا تعیین‌کننده‌ی میزان مداخلات معماری داخلی جهت اعطای کاربری جدید می‌باشد. چنانچه بنا از نظر وضعیت در سلامت کامل و از منظر ارزش دارای رتبه باشد، جهت تغییر کاربری مرتبه‌ی طراحی و دکوراسیون داخلی مورد توجه قرار می‌گیرد که در آن‌ها نیز ارزش‌های بنا و نیازهای عملکردهای جدید دارای اهمیت است.

### ۳- گام‌های موثر جهت طراحی داخلی ابنیه ارزشمند

۱- **آنالیز ساختمان:** شناخت ساختمان موجود اصول و پایه استفاده‌ی مجدد از آن را فراهم می‌کند. بررسی مفاهیم، ساختار، عملکرد و تاریخ می‌تواند مفاهیم ارزشمندی را ارائه دهد که فهمیدن و تفسیر آن‌ها علاوه بر حفظ ارزش‌های بنای میراثی، طراحی مناسب و استفاده مجدد سازگار با آن را فراهم کند. شرایط سایت، سازه، نیازهای فضایی، پیشینه‌ی بنا و معمار مهم‌ترین فاکتور ها در طراحی، براساس ارتباط مناسب بین جدید و قدیم است. (استون، ۲۰۰۵، ۱۲۵)

۲- **استراتژی و رویکرد:** تعیین استراتژی و نوع نگاه است که جزییات و طراحی را مشخص می‌کند و این عامل نیز تحت تأثیر شناختی است که از بنا حاصل شده است. (همان، ۱۲۸)

۳- **جزییات:** استون در مقاله‌ی خود جزییات را یک نوآوری می‌داند که معماران می‌توانند برای هارمونی دادن به محیط از آن استفاده کنند و این جزییات را به شش بخش تقسیم می‌کند که هر کدام بر روی المان خاصی تمرکز دارد. یکی از این جزییات صفحه‌ها هستند که به صورت افقی یا عمودی می‌توانند برای سازماندهی فضا استفاده شوند، مبلمان و در مقیاس بزرگتر اشیاء که باعث ایجاد ریتم و توجه در داخل یک فضا می‌شوند. مفصل‌بندی و هدایت نور طبیعی به شکل مناسب و بر اساس نیاز، سطح‌ها و سیرکولاسیون و بازشوهای داخلی فضا که برقرار کننده‌ی رابطه‌ی فیزیکی و بصری بین اشیاء و مکان هستند. استفاده از این جزییات بر اساس رویکرد و نیاز طرح شکل می‌گیرد. (همان، ۱۳۴-۱۳۳)

لیندیکنس و هایلینگن در مقاله‌ی دانستنی‌های بازطراحی به تحقیق در رابطه با مواردی که باید در بازطراحی مورد توجه قرار بگیرد پرداخته‌اند. آن‌ها معتقد هستند، در پروژه‌های تغییر کاربری که بازطراحی یک بنا را به دنبال دارد، باید علاوه بر سایت و محیط اطراف ساختمان، عواملی مانند تاریخ، پارامترهای فیزیکی، محدودیت‌های سازه‌ای و فنی، جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و تمامی فاکتورها بر تصمیماتی که معمار اتخاذ می‌کند، تأثیر می‌گذارد. آن‌ها در پاسخ به این سوال که در تجزیه و تحلیل یک بنا برای بازطراحی چه مسائلی دارای اهمیت بیشتری است و این تجزیه و تحلیل در چه زمانی باید انجام شود؛ و این که بعد از تجزیه و تحلیل، چه جنبه‌ای تصمیمات طراحی را شکل می‌دهد، پژوهش خود را بر روی مراحل بازطراحی قلعه‌ی آرن برگ<sup>۱</sup> انجام داده و نتایج را این‌گونه بیان داشته‌اند "همیشه یک ایده‌ی اولیه است که طرح را انسجام می‌بخشد و در مراحل ابتدایی شکل می‌گیرد و در ادامه‌ی پروژه تکامل می‌یابد". در این میان سه عامل تفکر، آزمایش کردن و ترسیم کردن به عنوان گام‌های بازطراحی معرفی شده‌اند. تفکر، استدلال و رویکردی است که عناصر نو

<sup>1</sup> Castle of Arenberg, 16th century

و یا موجود را در راه جدید مورد استفاده قرار می‌دهد آزمایش به معنی شناختی است که از بنای موجود در ابتدا و در طول پروژه حاصل می‌شود و ترسیم به معنای طرحی است که حاصل از دو مورد قبلی می‌باشد و در طی آن برای تطبیق عملکرد همواره بازگشت به اطلاعات اولیه صورت می‌گیرد. ( هایلیگن، لیندیکنس، ۲۰۱۰ )

۴- رهنمودهای طراحی داخلی در بناهای ارزشمند

جدول (۲) : ارزیابی اصول دارای اهمیت در طراحی زمینه‌های ارزشمند مأخذ: نگارنده

موضوعات با اهمیت	برداشت‌ها	تصویر
- جنس مصالح	- استفاده از مصالح به روز اتصالات آشکار و ساده و برگشت پذیر؛ اهمیت جنس مصالح ( سبک بودن) توجه به روح مکان آشکار سازی متریال‌های اصلی بنا و نمایش قدیمی بودن آن؛ توجه به رنگ و بهره‌گیری از عناصر تک رنگ و مدرن بودن سبک عناصر الحاقی	 تصویر ۱: موزه برزیل <sup>۱</sup> - مأخذ: (url1)
- رنگ	- استفاده از جدا کننده- های شفاف، سبک و برگشت پذیر؛ انتزاعی و سادگی و خلوص در عناصر الحاقی؛ توجه به رنگ و بهره‌گیری از آن به صورت تک‌رنگ، تعریف فضا با رنگ	 تصویر ۲: قلعه و کیو <sup>۲</sup> - مأخذ: (url2)
- سبک عناصر الحاقی	- استفاده از احجام ساده و خالص برای تعریف فضا؛ سادگی در عناصر داخلی مانند مبلمان و نورپردازی، بهره‌گیری از رنگ‌های خنثی و کم تأثیر و هماهنگ با زمینه، استفاده از مصالح، با بافت ساده	 تصویر ۳: مرکز ریاضیات <sup>۳</sup> - مأخذ: (دیکسون ۲۰۰۴)
- دخل و تصرفات	- در نظر گرفتن ساختاری در داخل فضاها، برگشت پذیر بودن مصالح بخش الحاقی، عدم هماهنگی یا تضاد آشکار در فرم و سبک بخش الحاقی	 تصویر ۴: مرکز موسیقی قزوین - مأخذ: (url3)
رویکرد طراحی	- بهره‌گیری از چیدمان و دکوراسیون در هماهنگ کردن بنا و کاربری؛ سادگی در دکور، حفظ حس مکان با استفاده از پوشش‌های ساده و شفاف رویکرد طراحی در دو جهت می‌تواند مورد نظر قرار گیرد؛ ۱- در دیدگاهی کلی می‌تواند در هماهنگی و یا تضاد با معماری و معماری داخلی بنا (با در نظر گرفتن پوسته‌ای جداگانه در داخل بنا) صورت گیرد ۲- در جهت میزان مداخله که می‌تواند مداخله‌گرا و مکمل بنا باشد و یا بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای فقط در حد چیدمان و مبلمان صورت گیرد.	 تصویر ۵: تئاتر منچستر <sup>۴</sup> - مأخذ: (url4)
مقیاس تغییرات		

<sup>1</sup> Pinacoteca do Estado, sao Paulo, Brazil

<sup>2</sup> Castelvecchio museum

<sup>3</sup> James Stewart Centre for Mathematics, McMaster University

<sup>4</sup> Royal Exchange theatre in Manchester

#### ۱-۴- معیارهای کلی دارای اهمیت

- سادگی: سادگی و بی‌ادعایی در طراحی، یکی از معیارهای مورد توجه جهت حفظ و نمایش هر چه بهتر ارزش‌های بنا می‌باشد. سادگی با حقیقت عجین است مانند طبیعت که آشکار با صداقت و راستگو است. عناصر ساده هیچ بخش زائدی نخواهند داشت. (ترک زبان، مرادی، ۱۳۹۰، ۶۳)

- هماهنگی: ایجاد هماهنگی، موضوعی وابسته به ارتباط عناصر جدید و کالبد قدیم می‌باشد که در این میان خلاقیت می‌تواند اجزای متفاوت قدیم و جدید را به کلتی واحد تبدیل کند. هدف از هماهنگی تقلید از عناصر بنا نمی‌باشد بلکه گاهی تفاوت باعث درک بهتر می‌شود. منظور از هماهنگی ایجاد یک کل واحد می‌باشد که اجزا آن در ارتباط درستی با یکدیگر به کار رفته‌اند. ضمن احترام به خصوصیات موجود، بیش از آن که از وضع موجود تقلید یا با آن رقابت کند، به آن کمک کند. این که این امر آیا با کپی‌برداری انجام می‌شود و یا از آخرین ابتکارات معماری جدید برخوردار خواهد بود، موضوع مورد توجه نمی‌باشد. چشم‌بایستی حس کند پدیده‌ی متجانس به محیط افزوده شده است. (همان، ۶۲)

- برگشت‌پذیری: هر تصمیمی برای اعطای کاربری جدید و متفاوت برای بناهای ارزشمند تغییراتی را بر ساختار و کالبد به همراه خواهد داشت که این تغییرات بر مبنای نظر کارشناسان حفاظت و مرمت با در نظر داشتن اصل بازگشت‌پذیری صورت می‌پذیرد. به‌گونه‌ای که امکان بازگشت به شرایط ابتدایی برای آن فراهم باشد. (محسنی، ایمانی، ۱۳۸۸، ۹۱)

#### ۲-۴- اجزاء مورد توجه در طراحی

- رویکرد: ایمانی و محسنی رویکردهای طراحی در بناهای تاریخی را به چند دسته تقسیم نموده‌اند ۱- رویکردی که دخل و تصرف در بنای قدیم را چندان روا می‌دارد که گویی در جای کهنه، اثری می‌گذارد کاملاً نو و امروزی، در این صورت معماری داخلی با توجه به میزان مداخله در بنا، ساختار و کیفیت فضای داخلی و نسبتی که با معماری آن خواهد داشت ارزش‌های بنا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و برحسب مورد ممکن است باعث حفظ یا نابودی آن شود. ۲- دومین رویکرد معماری داخلی در مواجهه با بنای تاریخی آن است که خود ادامه و دنباله‌ی بنای قدیم تلقی می‌شود. در این صورت هرگونه تغییر در ساختار و کیفیت فضای داخلی متأثر از ارزش‌های بنا خواهد بود. ۳- سومین رویکرد سعی در برقراری ارتباطی میان قدیم و جدید دارد که می‌توان گفت دیالوگی در کار می‌آورد. در این حالت هم ارزش‌های قدیم حفظ می‌شود و هم مقتضیات و شرایط جدید مورد توجه قرار می‌گیرد. (ایمانی، محسنی، ۱۳۸۸، ۱۲۶)

استون در مقاله خود با بررسی نمونه‌های موجود در این زمینه شیوه‌های طراحی در بناهای ارزشمند را سه روش بیان کرده است:

۱- شیوه مداخله‌گر<sup>۱</sup>: در شیوه مداخله‌گر پتانسیل‌ها تقویت، معانی و مفاهیم یک مکان خاص دوباره تعریف و بیان می‌شود. این زمانی درست عمل می‌کند که معمار نشانه‌های ساختمان موجود را هم به تصویر بکشد. در این روش به ساختمان به عنوان یک داستان نگاه می‌شود که باید دوباره کشف و بازگو شود. کشف، روشن‌سازی و تفسیر پروسه‌ی است، که مکان را دوباره زنده و فعال می‌کند. بازخوانش مکان، مکان‌سازی معمار و تغییرات مناسب را دیکته می‌کند. در این روش المان‌های جدید بر ساختار اصلی ایجاد می‌شوند و این تغییرات ممکن است با اضافه کردن و کم کردن به ساختمان اصلی صورت بگیرد. (استون، ۲۰۰۵، ۱۲۹)

۲- شیوه جاگذاری<sup>۲</sup>: در این روش، یک رابطه مناسب بین جدید و قدیم به وجود می‌آید؛ به‌گونه‌ای که با حفظ ساختار قدیمی المان‌های جدید نیز ایجاد می‌شوند و این المان‌ها ممکن است در داخل، بین و یا کنار ساختار موجود قرار بگیرند. المان جدید به‌صورت مستقل و متضاد می‌تواند رابطه‌ای هیجان‌آور بین ساختار جدید و قدیم ایجاد کند. وجود تفاوت و تضاد در سبک، متریکال، زبان، شخصیت باعث می‌شود علاوه بر ارتباط مناسب بین آن‌ها قسمت جدید نسبت به بنای قدیمی قابل تشخیص باشد. با این که آن‌ها مستقل از هم هستند ولی الگوی قسمت جدید با ویژگی‌های خاص فیزیکی ساختمان اصلی (ابعاد، ریتم، ترکیب ساختاری) دارای رابطه است. در این روش ساختمان اولیه باید به‌اندازه‌ای مستحکم باشد که ساختار جدید بتواند داخل آن جای‌گذاری شود. (همان، ۱۳۰) البته شیوه‌ی جاگذاری را می‌توان به عنوان یک رویکرد بیان نمود ولی سبک بخش الحاقی بسته به شرایط بنا و دیدگاه طراح است که البته هماهنگی در این امر نباید نادیده گرفته شود.

۳- شیوه‌ی چیدمان<sup>۳</sup>: در این روش یک‌سری المان و شی مرتب با هم، داخل زمینه‌ی ساختمان موجود قرار می‌گیرند. شخصیت اشیاء قرار گرفته در زمینه، به وسیله سبک معماران و هنرمندان، ایده‌ها و کانسپ‌هایی که نشان‌دهنده شخصیت خلق‌کننده‌ی آن‌ها است، ایجاد می‌شوند. معمولاً این اشیاء از عمر و اندازه محدود برخوردارند و بی‌ارتباط با ساختمان اصلی نیستند و می‌توانند در موقعیتی قرار بگیرند که بیشترین اثر بخشی را داشته باشند. آن‌ها برای سازماندهی و یا ایجاد فضا در نظر گرفته می‌شوند. مقیاس و تناسبات توسط خود ساختمان دیکته می‌شود. ساختمان موجود شاید نیاز به یک سری تغییرات فیزیکی داشته باشد که باید ترمیم و بازسازی شود، این تغییرات در این روش جزء فرایند مرمت ساختمان به حساب می‌آید و ربطی به فرایند این رویکرد ندارد این شیوه معمولاً برای ساختمان‌هایی که دارای زیبایی و کیفیت خاصی می‌باشند (ساختمان‌های تاریخی با سبک خاص) به کار می‌روند به‌گونه‌ای که باعث می‌شود روح و شخصیت ساختمان در جایگاه خودش به‌خوبی درک شود. (همان، ۱۳۲) بر این اساس رویکرد طراحی داخلی بسته به ارزش‌مندی بنا، اندازه و مقیاس فضاهای داخلی تعیین می‌گردد.

- سبک: سبک یکی‌دیگر از مواردی است که در طراحی داخلی دارای اهمیت می‌باشد. توجه به این امر در بناهای ارزشمند، در خصوص الحاقات جدید دارای اهمیت بیشتری است. سبک عناصر الحاقی، در بیانی کلی می‌تواند متضاد، هماهنگ به صورت تناظر عین به عین و در امتداد سبک بنا و یا هماهنگ ولی متمایز با سبک بنا صورت گیرد. از دیدگاه مرمتی بازگشت به گذشته هیچ‌گاه ممکن نبوده و در طراحی در زمینه‌های ارزشمند، تقلید از سبک‌های گذشته رد شده است. لذا جهت حفظ اصالت بنا و صداقت و راستی همواره بهره‌گیری از شیوه‌های معاصر مورد تأیید می‌باشد. (عالی، تاجیک، ۱۳۸۷، ۴۴) برای طراحی در زمینه‌های ارزشمند باید از سبک زمان خود فراتر رفته و به سبک‌های مناسب برای زمینه‌های مختلف دست‌یافت. چرا که توجه به روحیه‌ی زمان «از توجه به روحیه‌ی مکان» به عنوان یک اندیشه‌ی معماری، دارای اعتبار و اهمیت کمتری است. (شاه تیموری، مظاهریان، ۱۳۹۱، ۳۵)

<sup>1</sup> INTERVENTION

<sup>2</sup> INSERTION

<sup>3</sup> INSTALLATION

جزئیات: ۱- مصالح: فاکتورهای بیان شده در بالا مانند سادگی، هماهنگی و برگشت پذیر بودن در انتخاب مصالح باید مورد توجه قرار گیرد. در انتخاب جنس متربالها جهت تعریف کردن فضا باید حفظ ماهیت بنا در نظر گرفته شود. در این میان شفافیت عناصر می تواند موثر باشد.

۲- رنگ: رنگ به عنوان ابزاری است که می تواند برای مقاصد از قبیل ۱- هماهنگی با محیط ۲- برجسته سازی قسمت های مهم ۳- تعدیل کردن فضا ۴- جداسازی و تعریف فضا مورد استفاده قرار گیرد. رنگ به عنوان یکی از موثرترین عوامل ادراک محیط به حساب می آید (حدادی، ۱۳۹۵، ۱۰۷) و از آن جایی که حفظ ارزش های بنا از نظر بصری دارای اهمیت می باشد، بنابراین بهره گیری از رنگ هایی که کمترین تأثیر را دارند و به طور ذاتی می توانند در هماهنگی با سایر رنگ ها به کار روند مورد نظر می باشند. با بررسی نمونه ها می توان رنگ سفید، مشکی، خاکستری و رنگ های هماهنگ با رنگ غالب زمینه طراحی را از مواردی دانست که در طراحی داخلی موفق بوده اند.

#### ۵- نتیجه گیری

هنگامی که بنا به دلایل مختلف، تغییر کاربری بناهای ارزشمند ضرورت می یابد، در ابتدا کاربری و سپس طراحی داخلی می بایست سازگار با زمینه موجود در نظر گرفته شود. از آن جا که تعریف مشخصی برای این امر وجود ندارد؛ آن چه که در این میان دارای اهمیت است و در الویت می باشد، درک درست زمینه و شناخت ارزش های بنا در جهت رفع محدودیت ها و نمایاندن کیفیت های خاص مکان است.

نتیجه گیری، حاصل از تطبیق اصول تغییر کاربری سازگار و معیارهای طراحی بررسی شده می باشد که نتایج حاصل از هر قسمت به عنوان معیار مورد نظر در طراحی داخلی، جهت تغییر کاربری بناهای ارزشمند، تحت عنوان دیاگرامی معرفی می گردد.

جدول ۳: نتایج حاصل از انطباق تغییر کاربری سازگار و طراحی داخلی مأخذ: نگارنده

تغییر کاربری سازگار	تأثیر بر طراحی	نتیجه گیری
- هماهنگی کاربری با فرم، معنا و حس مکان	- کاهش مداخلات وابسته به حوزه ی معماری داخلی	- مقیاس طراحی در بناهای ارزشمند محدود به طراحی و دکوراسیون داخلی می شود
- سازگاری پایدار	- انعطاف پذیری	- فضاها را به صورت منعطف جهت توسعه آتی طراحی کنیم و فضا را محدود به عملکردی خاص نکنیم
- حفظ اصالت و یک پارچگی	- سبک، مصالح و رنگ	- هماهنگی ولی متمایز بودن
- ارزش های مادی و معنوی	- بر مداخلات و تعیین رویکرد طراحی تأثیرگذار است	- طراحی در بناهای ارزشمند باید در جهت حفظ ارزش های بنا صورت گیرد و حس مکان را از بین نبرد.
- بناها برای زنده ماندن مستلزم آن هستند که در دوره های مختلف مورد استفاده قرار گیرند	- برگشت پذیر بودن طراحی و عناصر الحاقی	- جنس مواد و مصالح و نحوه اجرای آن ها باید برگشت پذیر باشد.

جدول ۴: معیارهای دارای اهمیت در طراحی جهت تغییر کاربری اینبه ارزشمند مأخذ: نگارنده

کاربری	شکل طراحی	جزئیات	معیارهای کلی طراحی
هماهنگی با فرم	رویکرد	جزئیات اجرایی	سادگی
هماهنگی با معنای اثر	سبک	رنگ	هماهنگی ولی متمایز بودن
	میزان دخل و تصرف	جنس و بافت مصالح	انعطاف پذیری
	مقیاس تغییرات داخلی (معماری- طراحی- دکوراسیون)	برگشت پذیر	برگشت پذیر
		توجه به روحیه ی مکان	
		حفظ ارزش ها و زیبایی های بصری	

#### منابع

- ایمانی، نادیه، ضیاءشهبایی، نوشین، (۱۳۹۲)، مقاله نقش معماری داخلی در حفظ ارزش های نهفته در بنای تاریخی، نامه ی معماری و شهرسازی، دو فصل نامه ی دانشگاه هنر، شماره ۱۰، بهار و تابستان، ۱۲۲-۱۴۰
- ایمانی، نادیه، حیدری، مهرداد، (۱۳۹۵)، مقاله اصول طراحی مصنوعات داخلی با هدف کاهش مداخلات در زمینه، نامه ی معماری و شهرسازی، دوفصلنامه ی دانشگاه هنر، شماره ۱۶، بهار و تابستان، ۱۲۳-۱۴۵
- ایمانی، نادیه، محسنی، عبدالرضا، (۱۳۸۸)، مقاله جایگاه معماری داخلی در بهره برداری از بناهای تاریخی، همایش شناخت و معرفی مزیت ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی فرهنگی، تهران، ۳۰-۴۰
- ترک زبان، شقایق، مرادی، اصغر، (۱۳۹۰)، مقاله ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۱، زمستان، ۵۳-۶۶
- چینگ، فرانک، بینگلی، کورکی، (۱۳۸۴)، کتاب طراحی داخلی، مترجم، رسولی، حسینعلی، تهران، آذرخش
- حدادی، آرتا، (۱۳۹۵)، کتاب اصول و قوانین طراحی داخلی، تهران، ادیبان روز
- حناچی، پیروز، فدائی نژاد، سمیه، (۱۳۹۰)، مقاله تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی- تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی شماره ۴۶، ۲۶-۱۵



- حناچی، پیروز، آذری، عباس، محمود کلاویه، سعید، (۱۳۹۲)، مقاله ارزش گذاری در بافت‌های تاریخی، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوازده، تهران، ۳۷-۴۳
- رحیم زاده، محمدرضا، نجفی، مهنام، (۱۳۸۹)، مقاله جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیاء، مجموعه مقالات (نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء)، صندوق احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، تهران، ۵۰-۶۰
- شاه تیموری، یلدا، مظاهریان، حامد، (۱۳۹۱)، مقاله رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴، زمستان، ۲۹-۳۹
- صمدی رندی، یونس، (۱۳۷۲)، کتاب مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی، تهران، سازمان میراث فرهنگی
- عالی، حسین، تاجیک، شهرام، (۱۳۸۷)، کتاب مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، تهران، جهان جام جم
- فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۴)، کتاب باززنده‌سازی بناها و بافت‌های تاریخی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، -فیلدن، برنارد، یوکیلیتو، (۱۳۹۳)، کتاب مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه، حناچی، پیروز، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات
- قدیری، بهرام، (۱۳۸۵)، کتاب ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
- کوششگران، سیدعلی اکبر، (۱۳۹۰)، مقاله فرصت‌های احیاء در سیر تحول بنای تاریخی از زمان خلق تا زوال اثر، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۱، زمستان، ۸۱-۶۷
- مندگاری، کاظم، محمدی، محسن، (۱۳۹۱)، مقاله نقش معنا در تعیین ویژگی‌های کارکرد سازگار با بقایای بناهای تاریخی، نشریه شهر و معماری بومی، بهار، ۹۹-۱۱۰
- Attullah,s.salimullah,k.h.Irfanullah.J,(2010),Re-Use And Remodeling of old Buildings at Allama Iqbal open University Pakistan,Ontario International Development Agency.Issn1923-6654(online)Available at <http://www.ssrn.com/link/OIDA-Intl-Journal-Sustainable-Dev.html>,62-6
- Barbara. Dixon,JAMES STEWART CENTRE, Architectural record Magazin, APUBLICATION OF THE MCGRAW-HILL COMPANIES,09/2004,149-152
- Bullen,P.A, Love,P.E.(2011) Adaptive reuse of heritage building, Department of construction management, school of the built Environment, curtin university, perth, Australia,411-21
- Douglas, J.,(2002), Building Adaption, Butterworth Heinemann, Oxford.UK
- Edwards, C. (2011) Interior Design, a critical introduction, Breg, London
- Elsorady, D. A. (2013). Assessment of the compatibility of new uses for heritage buildings: The example of Alexandria National Museum, Alexandria, Egypt. Journal of Cultural Heritage. <http://doi.org/10.1016/j.culher.2013.10.011>
- Lindekens ,J, Heylighen,A, Neuckermans, H, (2000) Understanding Architectural Redesign, Vrije Universiteit Brussel,Belgium
- Murtagh, W.J.(1997),keeping time: the History and theory of preservation in America,John Wiley&Sons,New York
- Nelson, LH. (2005), Architectural Character: identifying the visual Aspects of Historic Buildings as an Aid to Preserving their Character,Preservation Briefs 17,U.S,Available at <http://www.cr.nps.gov/hpslbrief17.htm>(Accessed 01/07/2012), Dept. of the interior. National Park Service.Washington DC
- Ston, S, (2005),Re-readings: the design Principles of remodeling existing buildings, Manchester school of Architecture,UK,83:125-34
- Throsby, D. (1997), Seven Questions in the Economics of Cultural Heritage, in M. Hutter and I. Rizzo (eds), Economic Perspectives on Cultural Heritage, London: Macmillan, pp.13° 30
- Worthington, J, Taylor, S, Warren, J (1998),Context:New Buildings in Historic Settings, Architectural Press, Oxford,UK, September
- URL1: <http://www.archdaily.com>
- URI2: <http://www.archivocarloscarpa.it>
- URL3: <http://www.caoi.ir>
- URL4: [www.levittbernstein.co.uk](http://www.levittbernstein.co.uk)